

گفت‌وگو با دکتر «وحید محمودی»، استاد دانشگاه و مولف کتاب «اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران»

هنوز ۳۰ درصد جامعه زیر خط فقر هستند!

در اقتصادهایی که به طور نسبی فقر و نابرابری اقتصادی کمتری در آنها وجود دارد، جامعه بیش از سایر جوامع به تعادل و پایداری نزدیک است. شاخص‌های اقتصادی متعددی وجود دارد که می‌تواند میزان نابرابری توزیع درآمدها و توزیع نامتعادل ثروت و درآمد را بسنجند. یکی از این شاخص‌ها، ضریب جینی است. رقمی که با ضریب جینی برای هر جامعه می‌توان به نسبت آورد عددی بین «صفر» و «یک» است. هر چقدر عدد ضریب جینی یک جامعه به عدد «یک» نزدیک شود، شکاف نابرابری در توزیع درآمد افزایش می‌یابد و در چقدر عدد ضریب جینی به عدد «صفر» نزدیک شود توزیع عادلانه و برابر درآمدی، بیشتر است. مطابق سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، ضریب جینی در آخر سال پایانی این برنامه یعنی سال ۱۳۹۴ باید به ۳۵ صدم برسد. مطابق اعلام بانک مرکزی ضریب جینی در سال ۱۳۹۲ برابر با ۳۹ صدم بوده است. بانک مرکزی روز سوم دی‌ماه ۱۳۹۳ در گزارشی استدلال کرده بود با سیاست‌هایی که دولت یازدهم در پیش گرفته، جای امیدواری وجود دارد که ضریب جینی در سال ۱۳۹۳ بهبود یابد و با ادامه سیاست‌های این دولت و تداوم کاهش تورم، ضریب جینی در سال‌های آتی کاهش یابد و با افزایش درجه توزیع متعادل درآمدها، نابرابری در توزیع درآمد بر همین مبنا کم شود. در گفت‌وگویی که با دکتر «وحید محمودی»، متخصص مسائل فقر و رفاه، معاون سابق وزارت رفاه که چند کتاب تالیفی و ترجمه‌ای از جمله کتاب‌های «اندیشه عدالت»، «توسعه به مثابه آزادی» و «اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران» منتشر کرده است، درباره چگونگی و راهکارهای متعادل شدن توزیع درآمد و میزان نابرابری و شکاف در توزیع درآمد در وضع کنونی جامعه ایران پرداختیم. به طور مشخص دکتر محمودی اعتقاد دارد کاهش تورم، الزاماً منجر به توزیع عادلانه و برابر درآمدی نمی‌شود. این متخصص حوزه فقر و رفاه معتقد است که دولت رفاهی باید به جامعه رفاهی تبدیل شود و توانمندسازی مردم اتفاق بیفتد تا میزان فقر و نابرابری کاهش یابد.

یوسف نامری
روزنامه‌نگار

در سیاست اینترنتی شما یک بحث تحت عنوان سوابق اجرایی دارید و در آنجا دکتر کرده‌اید که به سه سمت‌ها و فعالیت‌هایی داشته‌اید: از جمله عضو گروه عدالت و رفاه اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک که ریاست این مرکز را آقای روحانی تا سال ۱۳۹۲ بر عهده داشتند و عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت هستند. آثار متعددی هم در حوزه فقر و عدالت تالیف یا ترجمه کرده‌اید و کتاب‌های اقتصاددان معروف هندی یعنی آمارتیاسن، مثل «اندیشه عدالت» و «توسعه به مثابه آزادی» را ترجمه کرده‌اید. این کتاب‌ها، همگی کتاب‌هایی هستند که برای مبارزه با فقر تالیف شده است. به چه دلیل علاقه‌مندی پیدا کردید که نسبت به این موضوع حساس باشید و به هر حال آثاری را تولید یا ترجمه کنید که مبارزه با فقر را لحاظ می‌کند و درمغذیه اصلی شما همین فقر و عدالت است؟

در مرکز تحقیقات استراتژیک عضو دو گروه عدالت و رفاه اجتماعی و اخلاق و توسعه بوده‌ام. از سال ۱۳۸۴ که آقای روحانی مدیریت مرکز تحقیقات استراتژیک را

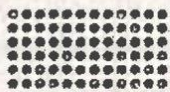
بر عهده گرفتند از یک تعداد از استادان دانشگاه‌ها برای گروه‌های پژوهشی مرکز دعوت کردند. ما هم به این دو گروه دعوت شدیم و همکاری داشتیم. همین‌طور در مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، دو گروه پژوهشی اقتصاد و عدالت دعوت کردند و عضویت آنجا را داشتیم. اما اینکه چه شد و چرا علاقه‌مند شدم به مقولات عدالت و فقر و حوزه رفاه اجتماعی و جهت‌گیری‌هایی که من در کارهای علمی و تحقیقاتی‌ام دارم عموماً به لحاظ اندیشه‌ای و نظری و هم کاربردی، دلایلی دارد.

حدود ۱۳ سال است که اندیشه یا دیدمان توسعه انسان‌محور را ترویج می‌کنم. پارادیم‌های فکری یا دیدمان‌هایی در عرصه اقتصاد در تاریخ علم اقتصاد و تاریخ اندیشه‌های اقتصادی، هر کدام در برهه‌های زمانی آثار و منشا اثری بوده‌اند. به تواتر تاریخ و به توالی تاریخ، شاهد این هستیم که اندیشمندان اقتصادی دنبال این هستند که برای پاسخ دادن به مشکلات مبتلا به جامعه، در فکر اصلاح چارچوب‌های فکری و استراتژی‌ها و برنامه‌های اجرایی برای حل مسائل توسعه‌نیافتگی کشورها باشند.

از مهمترین جلوه توسعه‌نیافتگی کشورها و خشن‌ترین آنها، مقوله فقر و نابرابری و تبعیض است و اساساً خیرخواهان اجتماعی و اندیشمندان عرصه‌های اجتماعی و

مصلحان در پی این هستند که بتوانند این عارضه‌ها و آسیب‌های اجتماعی و جلوه‌های خشن جامعه را از بین ببرند.

متخصصان و اندیشمندی مثل آمارتیاسن که خودشان در جامعه فقیر هند بزرگ شده‌اند و فقر را از نزدیک تجربه کرده و از نزدیک دیده‌اند. ما هم از دوران کودکی جلوه‌های فقر و نابرابری و محرومیت را شاهد بودیم و هرچه هم جلوتر می‌آمدیم به جای اینکه شاهد برطرف شدن این مشکلات و محرومیت‌ها باشیم، بعضاً این محرومیت‌ها و مشکلات در وجوه مختلف و با شدت بیشتری خود را نشان می‌داد و این احساس و علاقه و دغدغه‌مندی در ما به وجود آمد که چگونه می‌شود این مشکلات و محرومیت‌ها و فقر و بلایای اجتماعی را برطرف کرد. مدتی بعد از اینکه آمارتیاسن برنده نوبل اقتصاد شده بود از او دعوت کرده بودند که در یکی از نشست‌های مربوط به سازمان ملل سخنرانی کند. آمارتیاسن سخنرانی کرده بود. در آنجا فعالان اقتصادی هر کدام از او سوالی پرسیده بودند. مهمترین سوال آنها این بود که ما با سرمایه‌های خودمان چه کار کنیم و در کجا منابع‌مان را سرمایه‌گذاری کنیم که عایدی بیشتری داشته باشیم؟ آمارتیاسن تاملی کرده بود و بعد گفته بود که نمی‌توانم پاسخ سوال شما را بدهم. چون همه فکر و ذکرم معطوف به کسانی است که پولی برای



متخصصان و اندیشمندی مثل آمارتیاسن که خودشان در جامعه فقیر هند بزرگ شده‌اند و فقر را از نزدیک تجربه کرده و از نزدیک دیده‌اند. ما هم از دوران کودکی جلوه‌های فقر و نابرابری و محرومیت را شاهد بودیم و هرچه هم جلوتر می‌آمدیم به جای اینکه شاهد برطرف شدن این مشکلات و محرومیت‌ها باشیم، بعضاً این محرومیت‌ها و مشکلات در وجوه مختلف و با شدت بیشتری خود را نشان می‌داد و این احساس و علاقه و دغدغه‌مندی در ما به وجود آمد که چگونه می‌شود این مشکلات و محرومیت‌ها و فقر و بلایای اجتماعی را برطرف کرد. مدتی بعد از اینکه آمارتیاسن برنده نوبل اقتصاد شده بود از او دعوت کرده بودند که در یکی از نشست‌های مربوط به سازمان ملل سخنرانی کند. آمارتیاسن سخنرانی کرده بود. در آنجا فعالان اقتصادی هر کدام از او سوالی پرسیده بودند. مهمترین سوال آنها این بود که ما با سرمایه‌های خودمان چه کار کنیم و در کجا منابع‌مان را سرمایه‌گذاری کنیم که عایدی بیشتری داشته باشیم؟ آمارتیاسن تاملی کرده بود و بعد گفته بود که نمی‌توانم پاسخ سوال شما را بدهم. چون همه فکر و ذکرم معطوف به کسانی است که پولی برای

ما اگر بازه تاریخی انقلاب مشروطیت را تا امروز نگاه کنیم، دولت‌هایی که به معنای واقعی کارکرد توسعه‌های دانش‌بنده کم داریم. در برش‌های کوتاهی از این صد و اندی سال، ما دولت‌هایی توسعه‌گرا نداشته‌ایم که بتوانستند یک تحولی ایجاد کنند.



دادند؛ رئیس کلی سازمان خصوصی‌سازی کشور، معاونت اقتصادی وزارت اقتصاد و رئیس سازمان هدفمندی یارانه‌ها بود. اما من به دلایلی هیچ کدام را قبول نکردم و ترجیح دادم که بروم کار سرمایه‌گذاری خارجی را جلو ببرم و به عنوان مدیرعامل هلدینگ سرمایه‌گذاری خارجی ایران در آلمان، الان مستقر هستم.

این هلدینگ، هم زیرمجموعه وزارت اقتصاد محسوب می‌شود؟

بله، وظیفه مدیریت منابع ایران در خارج از کشور را بر عهده دارد و احساسم این بود که شاید در این مقطع بشود برای انتقال دانش و تکنولوژی به داخل کشور و نفوذ و حضور در اقتصاد جهانی، گام‌هایی هر چند اندک بتوانیم برداریم. لذا جمع‌بندی ما این شد که در آنجا بهتر می‌توانم خدمت کنم.

انتخاب وزیر پیشنهادی برای وزارت رفاه و کار به انتخاب شخصی آقای روحانی صورت گرفت؟

بله، همین‌طور است.

با توجه به اینکه شما در سال ۸۲ تا ۸۴ در زمان ریاست‌جمهوری آقای خاتمی، معاون وزارت رفاه بودید و در هر یک از تقیقات استراتژیک، در حوزه فقر و رفاه برای آقای خاتمی صحبت کرده بودید، اینها برای انتخاب شما امتیاز تلقی نشد؟

نه اینکه امتیاز تلقی نشد. بالاخره امتیاز تلقی می‌شود ولی عوامل مختلفی را به هر حال در انتخاب دخیل می‌کنند. یکی از این عوامل، شناخت است. هرچه شناخت رئیس‌جمهور از یک فرد، بیشتر باشد به او بیشتر می‌تواند اعتماد کند. آقای روحانی در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و جاهای مختلف دیگر با آقای ربیعی کار کرده بود و تشخیص آقای روحانی این بود که ایشان بهتر می‌تواند کار کند.

افرادی مثل پورمحمدی، محمد یونس، اهل پاکستان که در سطح بین‌المللی معروف شده و جایزه نوبل صلح در سال ۲۰۰۶ برده است و تألیفاتی همچون «دنیای بدون فقر» و همچنین «چگونه فقر را دارد و عمل کار کرده است» که فقر را از بین ببرد، شما بیشتر در حوزه اجرایی بوده‌اید و در حوزه تدبیر، تا اینکه در حوزه عملی، با راه‌اندازی نهاد های اجتماعی مردمی، عملاً به این

پیشنهاد خاصی به شما داده شد؟ سه، چهار جا پیشنهاد شد. ابتدا بحث وزارت رفاه و تامین اجتماعی بود و به هر حال ما به عنوان یکی از کاندیداهای این وزارتخانه مطرح بودیم ولی آقای روحانی با توجه به شناخت و به هر حال نزدیکی‌ای که آقای ربیعی با ایشان داشتند، وی را انتخاب کردند. برای این وزارتخانه چهار گزینه مطرح بود؛ یعنی آقای صفر حسینی، آقای بانک، آقای ربیعی و بنده.

من و آقای طیب‌نیا و آقای مردوخی و آقای کمیجانی، مسئولیت کمیته اقتصادی آقای دکتر عارف را بر عهده داشتیم. ما چهار نفر در کمیته اقتصادی آقای عارف بودیم ولی در انتخابات سال ۹۲ قرار بر ائتلاف شد.

در شیبی که آقای خاتمی یادداشتی دستی به آقای عارف داده بود که از کاندیداتوری کنار برود تا ساعت یک بعد از نصف شب هم طول کشید و ما خیلی تلاش کردیم که آقای عارف و خانواده ایشان را راضی کنیم که این به مصلحت ایشان و به مصلحت ملی است که به هر حال به نفع آقای روحانی و به صلاح‌دید آقای خاتمی، به نفع آقای روحانی کنار بروند. آقای عارف هم شاهد بودیم که خیلی بزرگواری به خرج دادند و نتیجه‌اش شد انتخاب آقای روحانی.

بعد از آن و انتخاب آقای طیب‌نیا به وزارت اقتصاد، سه، چهار جا را به من پیشنهاد

سرمایه‌گذاری ندارند. بنابراین اگر ما بتوانیم راهی و راهکاری برای این مهم پیدا کنیم به نظر می‌رسد که تا حدود زیادی به رسالت اجتماعی خودمان عمل کرده‌ایم.

به نظر می‌رسد که اگر از همین زاویه بخواهیم ورود به بحث کنیم این است که یکی از مهم‌ترین دلایل فقر و محرومیت و پایین بودن رفاه جامعه به ضعف در حکمرانی ما بر می‌گردد. ما اگر بازه تاریخی انقلاب مشروطیت را تا امروز نگاه کنیم، دولت‌هایی که به معنای واقعی کارکرد توسعه‌های دانش‌بنده کم داریم. در برش‌های کوتاهی از این صد و اندی سال، ما دولت‌هایی توسعه‌گرا داشته‌ایم که بتوانستند یک تحولی ایجاد کنند. اما در بقیه مقاطع تاریخی، نبود این آمادگی‌ها و نبود این زیرساخت‌ها و مشخص نبودن تقسیم قدرت در حوزه اداره امور، اینها چالش‌هایی است که آثار خودش را در عملکرد مدیران ملی به جای می‌گذارد.

پس به اینک آقای ربیعی، رئیس‌جمهور شدند، آقای نوبخت که در آن مرکز معاون ایشان بودند، توسط آقای روحانی، به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری منصوب شدند. خانم دکتر رویا طباطبایی یزدی، رئیس سازمان ملی بهره‌وری شدند. افراد دیگر هم به سمت‌هایی گزیده شدند در این دولت.

موضوع برشورود کنید و در جهت حذف گام بردارید. آیا قبضه پول دارید که این را ور بپوشه است؟

هم در حوزه نظری، بخش عمده‌ای از وقتم متمرکز بود و هم در حوزه اجرا. ما بیشتر درگیر حوزه‌های سیاست‌گذاری می‌شدیم تا مرحله برنامه‌های اجرایی. بله، جای این کار وجود دارد. امروز آروز انجام مصاحبه‌ها هم ساعت ۱۲ با یکی از عزیزان که قبلاً مقام اجرایی داشته‌اند جلسه‌ای را داشتیم، یکی از بحث‌هایی که من در آن دیدار مطرح کردم این بود که ما در حوزه فقرزدایی، کارهای اجرایی یا برنامه‌های اجرایی که مبتنی بر توانمندسازی باشد و بتواند ظرفیت فقرا را افزایش بدهد و تبدیل به نهضت توانمندسازی باشد، کم کار کرده‌ایم. البته من در یک مقطعی، همکاری و مشاوره با صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (ایفاد) داشتیم که وابسته به سازمان ملل متحد است. این صندوق بین‌المللی، یکسری پروژه‌های توانمندسازی در ایران انجام می‌دهد. تقریباً یک الگویی مشابه محمد یونس را دارد در ایران اجرایی می‌کند.

مشاور صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ در ارتباط با پروژه‌های فقرزدایی در ایران بودید؟

بله. آنها هم الگوهایی مشابه الگوی محمد یونس را دارند در اینجا اجرایی می‌کنند. اما به دلیل اینکه حمایت‌های لازم نمی‌شود خیلی نتوانسته است پوشش فراگیری در جامعه ایران ایجاد کند ولی در برخی استان‌های کشورمان، این موضوع را پیگیری کرده‌اند و این پروژه‌ها را در آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کردستان، اردبیل و همین‌طور چند مورد کوچک در اصفهان و فارس انجام داده‌اند.

این کارها تجربه‌های جالبی است. برای مثال در آن زمان آقای رسول‌اف، مدیرعامل بانک کشاورزی از آنها حمایت می‌کرد. یک بخش از منابع را بانک کشاورزی تامین می‌کرد و یک بخش از منابع را خود ایفاد تامین می‌کرد و به روستاها می‌رفتند. گروه‌های هدف آنها هم عمدتاً زنان و جوانان بودند. آنها سعی می‌کردند آموزش‌های لازم و مهارت‌های لازم را به گروه‌های هدف یاد بدهند که چگونه می‌شود یک فعالیت اقتصادی را شروع کرد و عمل کرد و به سودآوری رساند و چگونه آن را مدیریت و اداره کرد. وام‌هایی که در قالب مایکرو فاینانس یا وام خرد پرداخت می‌شد به صورت بانکداری پیوندی

صورت می‌گرفت. به این معنا که افراد در یک گروه، همدیگر را ضمانت می‌کردند و دیگر نیاز به تضمین‌های بانکی یا نظایر آن نبود. خیلی راحت این پرداخت‌ها انجام می‌شد و آنها هم خودشان به صورت گروهی، همدیگر را تضمین می‌کردند.

بعد این تکنیسین‌های ایفاد می‌آمدند به آن افراد یاد می‌دادند که چگونه سرمایه‌گذاری کنند و چگونه ریسک کنند و چطور تصمیم بگیرند. مثلاً حتی در یک جلسه به خطا تصمیم می‌گرفتند و به آنها نمی‌گفتند شما الان دارید به خطا و اشتباه تصمیم می‌گیرید. آن تکنیسین‌ها بعداً می‌رفتند بررسی می‌کردند که ببینند چه قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی دارند و چه ناتوانی‌ای دارند که آن وجه را تقویت کنند که بتوانند تصمیم بهتری بگیرند.

ماحصل نتیجه مطالعات و کارهای آنها، این شد که ۹۸ درصد از وام‌هایی که در قالب مایکرو فاینانس به گروه‌های هدف پرداخت کرده بودند بازپرداخت شود. در صورتی که در همان موقع و بعد از آن، مالیات معوق بانکی در ایران، بسیار افزایش پیدا کرده بود و این نشان می‌داد که این‌طور نیست صرفاً شما با تضمین بیشتر یا مقررات اداری سفت و سخت، حتماً منابع را پس بگیرید.

یک اعتماد در سیستم حاکم شده است و بعد آخر کار نگاه می‌کردیم حدود ۶۰ درصد از رهبران این گروه‌های اقتصادی را زنان تشکیل می‌دادند؛ زناتی که در گوشه خانه نشسته بودند و هیچ قدرت انتخابی و شأن و منزلتی نداشتند. اصلاً حضور اجتماعی نداشتند. این نوع تجربه‌ها را داشتیم ولی احساس می‌کنم کارهای بیشتری باید انجام بدهیم.

آیا واقعه توانمندسازی افراد به معنای واقعی در آن پروژه‌ها اتفاق افتاد؟

بله، توصیه‌ام به مقامات دولت همیشه این بود که این را به عنوان یک تجربه بگیرید و آن را به سطح ملی تعمیم بدهیم و از روش مایکرو فاینانس تلاش کنیم. آن موقع پیشنهاد من این بود که وزارت تعاون و وزارت رفاه و وزارت کار و تامین اجتماعی، یک کنسرسیوم تشکیل بدهند. سازمان فنی و حرفه‌ای زیر نظر وزارت کار بود. وزارت تعاون، یک ظرفیت برای مشارکت اجتماعی بود. از طرف دیگر وزارت رفاه هم مسئولیت سیاست‌گذاری را بر عهده داشت و هم منابع فقرزدایی در اختیارش بود. پیشنهاد من این بود که این سه وزارتخانه، یک کنسرسیوم تشکیل بدهند و روی خیل بیکاران متمرکز

شوند و بیاوند فهرست بیکاران هر استان و شهرستان را بگیرند و بعد ارزیابی کنند که آن افراد چه ناتوانی یا قابلیت دارند و آنها را با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش‌های توانمندسازی و از طریق مایکرو فاینانس، این توانمندسازی را شکل بدهند و بتوانند هم فقرا را توانمند کنند که خودشان بتوانند کسب درآمد کنند و هم نرخ بیکاری را می‌شد به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داد.

چند سالی پیشنهاد دادید؟

سال‌های ۸۲، ۸۳ و ۸۴ پیشنهاد دادم. اتفاقی که الان افتاده این است که هر سه وزارتخانه، به یک وزارتخانه تبدیل شده و آن هدف بهتر قابل مدیریت کردن و عمل کردن است. الان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به نظر من باید این مهم را در دستور کارش قرار بدهد.

کسانی که چند سال قبل زیر نظر ایفاد آموزش دیدند و این توانمندسازی اتفاق افتاد، الان آنها از لحاظ درآمدی چه وضعی دارند و آیا وضعیت‌شان مشخص است؟

بله، نمونه‌های آن مشخص است. افرادی که تحت آموزش قرار گرفتند مشخص هستند. این دانش، مستند شده و موجود است و همه کسانی که توانستند وارد فرایند توانمندسازی شوند، بیزنس‌های موفق را شروع کردند و دارند ادامه می‌دهند و الان به زندگی خودشان دارند ادامه می‌دهند.

همکاری بین بانک کشاورزی و سازمان ملل در سال ۲۰۰۸ قطع شد یا فقط همکاری شما با این پروژه قطع شد؟ نه، آن پروژه خیلی استمرار پیدا نکرد. متأسفانه دیگر منابع آنجانی گذاشته نشد.

در صحبت‌ها و اظهار نظرهای مختلفی که از شما منتشر شده اشاره به این موضوع هم داشتید که فقر، جلوه‌های مختلفی دارد و حتی آلودگی هوا هم یکی از جلوه‌های فقر است و چک برگشتی هم نشانه فقر است. جدا از بحث نداشتن و کمبود درآمد، این موضوعات را به عنوان جلوه‌های فقر عنوان کردید.

بله، تعبیر ما این است که فقیر، کسی نیست که درآمد ندارد بلکه معتقدیم به هر حال اگر کسی درآمد داشته باشد و قدرت انتخاب نداشته باشد به یک معنا، فقیر محسوب می‌شود. آلودگی هوا و حتی نداشتن امکان مشارکت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی،



در شبی که آقای خاتمی رانداشتی دستی به آقای عارف داده بود که از کاندیداتوری کنار برود تا ساعت یک بعد از نصف شب هم طول کشید و ما خیلی تلاش کردیم که آقای عارف و خانواده ایشان را راضی کنیم که این به مصلحت ایشان و به مصلحت ملی است که به هر حال به نفع آقای روحانی و به صلاح‌عید آقای خاتمی، به نفع آقای روحانی کنار بروند.



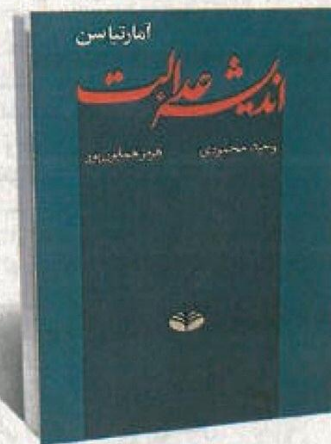
دما در برنامه چهارم
توسعه دهه ۸۸-۸۹
۱۳۸۶ هدفگذاری
کسری بودجه که
هزینه سلامت از
جیب بیماران از
۵۰ به ۴۰ درصد
کاهش یابد. اما
اتفاقی که در انتهای
برنامه افتاد این بود
که از ۵۰ درصد به
۷۰ درصد افزایش
پیدا کرد. تا آن
هم نشانه نشان
می داد که همچنان
قریب به ۷۰ درصد
از هزینه های بیمار
توسط خود بیمار
پرداخت می شود.

جلوه هایی از فقر و محرومیت است. کسانی هستند که بالای خط فقر درآمد دارند ولی به لحاظ دانش تغذیه ای، ضعیف و دچار سوءتغذیه هستند. مطالعات نشان می دهد بخشی از افرادی که بالای خط فقر هستند، دچار سوءتغذیه هستند و این طور نیست که همه افرادی که زیر خط فقر درآمدی هستند، دچار سوءتغذیه هستند یا اینکه کسانی هستند که درآمد متوسطی دارند اما فساد سیستمی باعث می شود که یکدفعه بخش قابل ملاحظه ای از درآمدها را از دست بدهند.

ما هر روز شاهد یکی از این پدیده ها هستیم. پدیده شانديز دیگر آخرین آن است. پدیده شانديز، پول چه کسی را برده است؟ پول عموما اقشار متوسط درآمدی را برده است. شما بروید کسانی که در آنجا سرمایه گذاری کرده اند یا منابع خودشان را گذاشته اند نگاه کنید می بینید که مثلا یکدفعه فردی از دهک چهارم یا دهک پنجم که به لحاظ درآمدی فقیر نیست، می افتد در دهک اول. لذا زیرساخت های اجتماعی و اقتصادی و مدیریتی در کشور هر چه شفافتر و قانونمندتر باشد، طبیعتا افراد احساس توانمندی بیشتری می کنند.

پژوهش هایی در سطح کشور انجام شده است که نشان می دهد هزینه های سلامت سالانه به یک میلیارد و ۳۰۰ هزار خشتوار آسیب می رساند و هزینه های

کتاب: اندیشه عدالت



مستقیم پزشکی ۳۴۰ هزار خانوار را در هر سال به زیر خط فقر غذایی می کشاند. بله، کاملا درست است. ما در برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۶)، هدفگذاری کرده بودیم که هزینه سلامت از جیب بیماران از ۵۰ به ۳۰ درصد کاهش یابد، اما اتفاقی که در انتهای برنامه افتاد این بود که از ۵۰ درصد به ۷۰ درصد افزایش پیدا کرد. تا الان هم شواهد نشان می دهد که همچنان قریب به ۷۰ درصد از هزینه های بیمار، توسط خود بیمار پرداخت می شود. دولت هم طرح هایی در این زمینه دارد.

یعنی با وجود طرح هایی که در دولت یازدهم انجام شده مثل طرح تحول نظام سلامت، باز هزینه ها باعث می شود که معالاه قهدهای از افراد جامعه به زیر خط فقر کشیده شوند.

اگر مسائل، سیستمی حل نشود گاه طرح هایی که اجرا می شود ممکن است اثربخش نباشد. برای مثال همین طرح سلامت، گفته است اگر یک پزشکی، شب در بیمارستان بخواهد ۵۰۰ هزار تومان به او داده می شود.

امتیازاتی به این صورت و منابع درآمدی را این گونه بالاخره در نظر گرفته اند که بتوانند خدمات را به بیمار افزایش بدهند ولی در همین فاصله، شواهد نشان می دهد که مطالبات برای زیرمیزی پزشکان افزایش پیدا کرده است و گویی آن که آن پول را از دولت می گیرند و زیرمیزی هم همچنان، بیشتر مطالبه می کنند. این نشان می دهد که این طرح انگار، اثربخشی خودش را ندارد.

یک مقدار از منابع طرح تحول سلامت از طریق کمسیون مالیات بر ارزش افزوده است؛ یعنی از مردم مالیات گرفته می شود و بعد هم این مشکلات وجود دارد و تشدید شده است.

مالیات بر ارزش افزوده، یک نوع مالیاتی است که قانونی است و تعریف شده و اشکالی ندارد که گرفته شود.

هر سال چند درصد مقدار مالیات بر ارزش افزوده، افزایش پیدا می کند و مالیات بر ارزش افزوده از مردم گرفته می شود ولی از طرف دیگر زیرمیزی هم وجود دارد و مشکلات قبلی همچنان وجود دارد و تشدید شده است.

قبول دارم. باید یک تناسبی بین هزینه هایی که از آن طرف بر مردم تحمیل می شود با خدماتی که از این طرف ارائه می شود،

همخوانی داشته باشد.

آقای دکتر ریعی وزیر تعاون و کار و رفاه دولت یازدهم، در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه در تهران، از شناسایی ۱۰ میلیون فقیر در کشور خبر داد. اما شما سال ۱۳۹۱ گفته بودید که حدود ۲۰ درصد از جامعه ما زیر خط فقر مطلق هستند. به نظر تان کدام آمار درست است و اگر مینا آن ۳۰ درصد شما باشد در حال حاضر که جمعیت ایران ۷۸ میلیون نفر است ۲۳ میلیون نفر زیر خط فقر هستند.

نمی دانم، باید مبنای محاسبات ایشان را نگاه کنیم. کاری که من انجام دادم یک کار پژوهشی است و چاپ شده و مستند است که شیوه محاسبه من چه بوده و چطور خط فقر را حساب کردم و حداقل نیازهای اساسی را تخمین زدم و چگونه به این عدد رسیدم. همین طور آخرین مطالعاتی که انجام دادم در سال ۸۸ و ۸۹ هم دیتاها را به روز کردم، تقریبا همین حجم از فقر و محرومیت در کشور وجود داشت.

یعنی ۳۰ درصد جامعه محروم و فقیر هستند؟

بله و انتظار این نیست که الان اتفاق خاصی افتاده باشد و ما تعداد کمتری زیر خط فقر داشته باشیم.

این پژوهش را به صورت شناسایی و سرشماری انجام دادید یا گروهی و مثلا تحت هر یک تحقیقات یا دانشگاهی انجام شده است؟

این پروژه تحقیقاتی بود که در دانشگاه تهران، ما انجام دادیم و دیتاهای آن، دیتاهای مرکز آمار ایران است و از دیتاهای رسمی استفاده کردیم.

یکی از شاخص هایی که در زمینه فقر و رفاه خیلی کاربرد دارد ضریب جینی است که چگونگی توزیع درآمد و میزان ناعادلانه بودن توزیع درآمد را محاسبه می کند. در سال های گذشته آمارها به موقع ارائه نمی شد و در دولت یازدهم اقداماتی شده همین بر اینکه آمارها به موقع داده شود، ولی هنوز سرعت عمل کافی وجود ندارد. شما به عنوان کسی که در حوزه فقر و رفاه فعالیت می کند آیا همچنان منتظر هستید که بانک مرکزی یا مرکز آمار، قریبا ضریب جینی را اعلام کند یا خودتان هم نسبت به کار می شوید

و مثلاً با توجه به آمار درآمدها و هزینه‌هایی که مرکز آمار ایران انجام می‌کند، شما ضریب جینی را تهیه و محاسبه می‌کنید؟

در مطالعاتی که انجام می‌دهیم محاسبات را خودمان انجام می‌دهیم. دیتاهای خام را از مرکز آمار می‌گیریم، اما تخمین‌ها و برآوردها را خودمان انجام می‌دهیم. عموماً تخمین‌هایی که در رابطه با فقر و نابرابری توسط نهادهای رسمی انجام می‌شود، آنها بیشتر دیتاهای خام را می‌گیرند و روی آن برآورد شاخص‌های فقر و نابرابری را انجام می‌دهند. در صورتی که هرگونه برآورد شاخص‌های رفاه از جمله فقر و نابرابری، نیازمند این است که شما اول دیتا را پالایش کنید؛ یعنی دیتا باید تعدیل شود. برای مثال بر اساس بعد خانوار، حجم خانوار و شاخص قیمت‌های منطقه‌ای یا استانی باید تعدیل شوند و یک دیتای تمیزی بیرون بیاید و روی آن دیتای تعدیل‌شده، محاسبات را انجام بدهیم.

معمولاً در مطالعاتی که داریم این‌گونه عمل می‌کنیم و این محاسبات را در می‌آوریم. برای مثال در مقاطع مختلف زمانی می‌دیدیم که مرکز آمار، شاخص نابرابری روستایی را بیشتر از نابرابری شهری نشان داده بود.

سپس در مطالعات خودمان نشان دادیم که این درست برعکس است. نابرابری روستایی کمتر است. فقر در روستاها بیشتر است. اما نابرابری در روستاها کمتر است چرا که فاصله بین فقیرترین تا غنی‌ترین فرد روستایی زیاد نیست، اما فاصله بین فقیرترین تا غنی‌ترین فرد شهری، خیلی زیاد است. به همین خاطر انتظار بر این است که نابرابری در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی باشد. یکی هم اینکه وقتی شما تخمین نابرابری یا فقر می‌دهید بالاخره باید نگاه کنید که خانوار چند نفر است و نیازش چیست. اگر یک خانواری، پنج تا بزرگسال در آن باشد و یک خردسال یا بالعکس در یک خانوار، یک نفر بزرگسال باشد و چهار نفر خردسال، خب نیازهای آنها با همدیگر فرق می‌کند. اگر در یک خانوار، سه دختر و دو پسر است یا یک پسر است و چهار تا دختر، نیازهای آنها با همدیگر فرق می‌کند. یا اینکه آن خانوار در استان کهگیلویه و بویراحمد یا در سیستان و بلوچستان یا در تهران واقع شده، همه این موارد باید در مطالعات، معادل‌سازی‌های لازم انجام شود و تعدیل‌ها صورت بگیرد و یک بیس دیتای یکسان رفاه تعریف شود تا بر اساس آن بتوانیم مقایسه‌پذیری را انجام بدهیم.

مقداری در تولید این دیتاهای تعدیل‌شده یا دیتاهایی که بتواند قابلیت مقایسه‌پذیری و اندازه‌گیری رفاه را به ما بدهد نهادهای رسمی کمتر روی آنها تامل می‌کنند.

پانک مرکز آمار اعلام کرده است که در سال ۱۳۹۱ ضریب جینی ۳۸ درصد بوده است و سال ۱۳۹۲ هم ۳۹ درصد. آیا این افزایش ضریب جینی در مجموع برای شما در جامعه قابل لمس است. طبق همین آمارهای مختصری که توسط پانک، مرکز آمار ارائه شده، نابرابری در جامعه افزایش پیدا کرده است؛ یعنی آیا مشاهدات شما هم این نکته را نشان می‌دهد؟

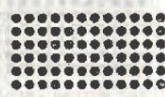
مشاهدات هم این را به صورت برداشت عمومی که به هر حال در جامعه وجود دارد، نشان می‌دهد. وقتی نابرابری می‌گوییم سایر جلوه‌های نابرابری در جامعه را نیز در نظر بگیریم. احساس تبعیض، یکی از جلوه‌های نابرابری است. نابرابری، همه از جنس درآمد نیست. نابرابری در فرصت‌هاست. وقتی نابرابری در فرصت‌ها، در دستیابی به شغل و دستیابی به فرصت‌های اجتماعی را ببینیم، نابرابری درآمدی هم در ذهن ما جا می‌افتد که نابرابری درآمدی افزایش پیدا کرده است. اما از الگو و روند نابرابری در جامعه ما از قبل از انقلاب تا الان که نگاه می‌کنیم شاخص نابرابری خیلی تغییرات زیادی نکرده و همچنان در یک سطحی از نابرابری یا در یک سطح متوسطی باقی مانده است. امروز شاید بحث‌های ما بیشتر ناظر بر رفع فقر و همین‌طور نابرابری فرصت‌ها باشد. چون اگر نابرابری فرصت‌ها را هدف‌گیری کنیم خود به خود منجر به کاهش درآمدی هم خواهد شد. همین‌طور اگر بتوانیم فقر را کاهش بدهیم گروه‌های پایین درآمدی بالاخره یک بخش از آن توزیع درآمد را شامل می‌شوند و اگر پایین درآمدی را بتوانیم بهبود بدهیم، آثار آن روی کل توزیع یعنی نابرابری درآمدی هم خودش را نشان می‌دهد. یک نکته هم این است که ضریب جینی شاید شاخص کاملی برای ارزیابی نابرابری حتی درآمدی هم نباشد. چون ضریب جینی به لحاظ تکنیکی بیشتر به میانگین درآمد، حساس است. یعنی کمتر به دامنه پایین و بالای توزیع، حساس است. مثلاً ممکن است وضعیت گروه‌های پایین درآمدی بدتر شده باشد. این وضع خیلی در نابرابری درآمدی، خودش را با ضریب جینی نشان نمی‌دهد. ضریب‌های دیگر و شاخص‌های دیگر یا معیارهای دیگری هم وجود دارد

که به دامنه‌های توزیع، حساس‌تر هستند و می‌توانند ارزیابی دقیق‌تری را انجام بدهند. توصیه ما به مرکز آمار این است که در شاخص‌های نابرابری فقط به ضریب جینی اکتفا نکند.

اگر همه آمارها به‌طور مستقیم و به‌موقع ارائه شود، مناسب و کارساز است. مثلاً چکیده نتایج مربوط به نرخ بیکاری فصل پاییز سال ۱۳۹۲ را روز پنج‌شنبه ۱۱ دی منتشر کردند. اگر مرکز آمار ضریب جینی را مثل نرخ بیکاری به‌موقع انتشار بدهد، باز برای سیاست‌گذاران و برای کسانی که از این اطلاعات می‌خواهند استفاده کنند، مناسب است؟

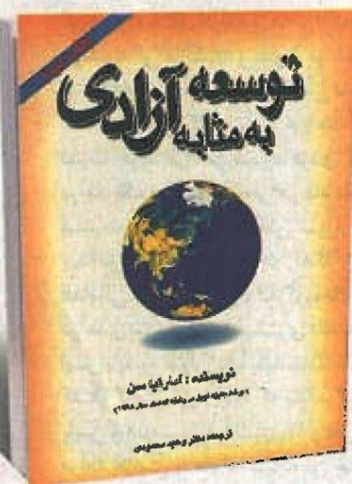
درست است. هم به‌موقع منتشر کند و هم از معیارهای مختلفی استفاده کند تا بتواند تصویر واقعی‌تری از تغییرات رفاه و تغییرات نابرابری را نشان بدهد. در کنار ضریب جینی، مثلاً «شاخص تایل» و «شاخص اتکینسون» یا «شاخص مجموعه انترپی» را استفاده کند. هر کدام از این شاخص‌ها به یک بخش از ملاحظات مربوط به نابرابری توجه می‌کنند. اگر آن شاخص‌ها نیز ضریب جینی را همراهی کردند، نشان می‌دهد که محاسبات، درست است.

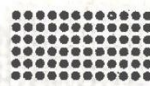
در حال حاضر برای سال ۹۳ ضریب جینی ارائه نشده است. اما پانک مرکزی روز ۳ دی ماه ۹۳ گزارشی را با عنوان



مطالعات نشان می‌دهد به‌خوشی از افرادی که بالای خط فقر هستند دچار سوءتغذیه هستند و این‌طور نیست که همه افرادی که زیر خط فقر درآمدی هستند، دچار سوءتغذیه هستند یا اینکه کسانی هستند که درآمد متوسطی دارند اما قسماً کمبودهای تغذیه‌ای دارند. این‌ها ملاحظات دیگری است که باید در نظر گرفته شود.

کتاب: توسعه به مثابه آزادی





نابرابری در روستاها کمتر است چرا که فاصله بین فقیرترین تا غنی ترین فرد روستایی زیاد نیست اما فاصله بین فقیرترین تا غنی ترین فرد شهری خیلی زیاد است. ضریب جینی شاید شاخص کاملی برای ارزیابی نابرابری جینی در آمدی هم نباشد. چون ضریب جینی به اجزای تکنیکی بیشتر به میانگین درآمد حساس است.

«انتظار می رود افزایش ضریب جینی در سال ۱۳۹۲ متوقف و تا حدودی تعدیل شود» در سیاست اینترنتی خود منتشر کرده و اظهار داشته که «هدف دولت یازدهم کنترل تورم بوده و رویکرد انضباط گراییانه داشته است. در نتیجه امیدواریم که بهبود شرایط توزیع درآمد اتفاق بیفتد و بازگشت به صورتی که سایر شرایط هم ثبات داشته باشند، امیدواریم که افزایش ضریب جینی در سال ۹۲ متوقف شود و در همین حال اضافه کرده که چون دولت هدف خود را برای سال ۹۵ تورم تک رقمی تعریف کرده است در نتیجه وضعیت توزیع درآمد در سال های آتی با بهبود نسبی روبرو شود. با این اظهار نظری که بانک مرکزی منتشر کرده امید خاصی نسبت به این موضوع وجود ندارد که قبل از سال ۹۵ ما به آن «هدفی برسیم که در سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده و تأکید شده که ضریب جینی تا ۳۵ صدم کاهش یابد، حتما نخواهیم رسید» آن هدف سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه تحقق پیدا نمی کند.

در اینجا باید به چند نکته اشاره شود: یکی اینکه باز تأکید می کنم باید در پردازش دیتا و تولید دیتاهایی که بتوانیم محاسبات مربوط به نابرابری را انجام بدهد، دقت بیشتری شود؛ دوم اینکه تنوع بیشتری در معیارهای نابرابری انجام بگیرد و سوم توجه داشته باشیم که این طور نیست که حتما بگوئیم با کاهش تورم، نابرابری کاهش پیدا می کند. چه اتفاقی می افتد وقتی تورم کاهش پیدا می کند؟ وقتی تورم کاهش پیدا می کند، قدرت خرید همه مردم افزایش پیدا می کند. درست است که ممکن است گروه های مختلف درآمدی متاثر از محلی که دارند زندگی می کنند و تفاوت در شاخص قیمت ها، نسبت ها کاملاً یکسان نباشد اما به صورت کلی، کاهش تورم باعث افزایش قدرت خرید افراد می شود. فردی که مثلاً درآمد یک میلیون تومان در ماه دارد حالا قدرت خرید او با کاهش تورم افزایش پیدا می کند. اما اینکه چه راهکاری یا چه اقداماتی صورت بگیرد که گروه های پایین درآمدی بتوانند درآمد بیشتری داشته باشند این باید به عنوان یک سیاست مکمل در کنار کاهش تورم نباشد که بتواند گروه های پایین و متوسط درآمدی را از نظر میزان درآمد افزایش بدهد که نتیجه آن تعدیل در شاخص نابرابری باشد.

اگر سطح درآمد گروه های درآمدی تغییر پیدا نکند، کاهش تورم آثار مثبتی بر رفاه افراد و قدرت خرید افراد دارد، ولی این طور نیست که یک رابطه یک به یک وجود داشته باشد که حتماً با کاهش تورم، نابرابری هم کاهش پیدا می کند. چنین ادعایی نمی توانیم داشته باشیم.

❖❖❖ ولسی بانک: مرکزی اظهار امیدواری کرده که با هدف تک رقمی شدن نرخ تورم در سال ۹۵ و ثبات شرایط مختلف، مثل افتاد سیاست های پولی و بانکی مناسب، همکاری دست به دست هم بدهند و توزیع درآمد در سال های آتی با بهبود نسبی روبرو شود.

خب این بیشتر امید و آرزوست تا اینکه یک برنامه اجرایی مشخصی را ارائه بدهند و بگویند حالا روی گروه های مختلف درآمدی چه اقداماتی را انجام می دهیم و چه سیاست هایی را اتخاذ می کنیم که منجر به بهبود وضعیت درآمدی آنها شود. از طرف دیگر دسترسی یا دستیابی گروه هایی که گروه های بالای درآمدی هستند، البته نه باد آورده افزایش پیدا کند و دسترسی جامعه به تسهیلات بانکی و منابع مختلف مالی جاهای مختلف اتفاق بیفتد اگر جلوی فساد و خاصه خواهی ها و پرت منابع در اقتصاد گرفته شود، طبیعی است که می تواند آثار مثبت خودش را روی توزیع درآمد هم به بار بیاورد و توزیع درآمد را متعادل تر کند.

❖❖❖ بانک مرکزی و مرکز آمار تهیه آمارهای ملی را بر عهده دارند، ولی مطالبی نوشته می شود در زمینه آمارهای مختلفی که عرضه می شود و به سرعت واکنش نشان می دهند. این واکنش نشان دادن درست است یا باید به این سرعت بروند که آمارها را به موقع در اختیار بگذارند و باعث شوند سیاستمداران و تصمیم گیرندگان؟

آمار، پایه تصمیم گیری است. هیچ دولتمردی و هیچ حکمرانی و هیچ سیاستگزاری، بدون داشتن شناخت از وضع موجود و آگاهی از اینکه ما الان در کجا ایستاده ایم و آمار و ارقام چه می گویند و ما در چه شرایطی قرار داریم، طبیعی است که نمی تواند برنامه ریزی کند. یکی از اصلاحات اصلی که در نظام اداری ما ضروری است انجام شود این است که تولید آمار و اطلاعات هم توسط سازمان هایی انجام شود که استقلال کامل داشته باشند و بتوانند با استقلال، تولید آمار کنند و خدای ناکرده

دستکاری در آمار صورت نگیرد و این دیتا به موقع و با کیفیت در دسترس قرار بگیرد. این دیتاها باید در دسترس همه افراد قرار بگیرد و توزیع منصفانه و به موقع اطلاعات هم وظیفه نهادهای متولی تولید آمار است.

❖❖❖ شدا گامتید پاپین آمدن تورم الزاماً به معنای این نیست که نابرابری در درآمد ها اتفاق افتاده باشد، این مساله ثابت شده و یک بحث علمی است یا اینکه خودتان این موضوع را به تازگی مطرح کرده اید؟ بحث این است که در چه شرایطی نابرابری درآمدی، افزایش یا کاهش پیدا می کند؟ ما اگر درآمد افراد را معیار سنجش قرار می دهیم حالا اگر تورم کاهش پیدا کند، در صورتی که این تورم اثر یکسانی را روی گروه های مختلف درآمدی به بار بیاورد یعنی همه گروه های درآمدی قدرت خرید بیشتری پیدا کرده اند. این باعث افزایش درآمد افراد نمی شود بلکه باعث می شود که با درآمدی که از قبل داشته اند کالا و خدمات بیشتری را خریداری کنند.

بنابراین کاهش تورم می تواند بخشی از افراد را از فقر خارج کند ولی اینکه دقیقاً چه اثری بر جای می گذارد بستگی به آثاری دارد که روی توزیع درآمد به بار می آورد. شما نمی توانید بگوئید شیب توزیع در کجا تغییر کرده و چگونه تغییر پیدا کرده است که آثار آن را بتوانید سنجش کنید و بگوئید حتماً این باعث می شود که مثلاً نابرابری کاهش پیدا کند.

❖❖❖ تورم حدوداً ۴۰ درصدی اواسط سال ۱۳۹۲ به ۱۷ درصد در آذر ۹۲ رسیده است. آیا این مقدار کاهش تورم می تواند تأثیر بگذارد روی نابرابری درآمدی و پایین آمدن ضریب جینی که بانک مرکزی اظهار امیدواری کرده است که در سال ۹۳ کاهش پیدا کند؟

قطعاً تأثیر خودش را می تواند بگذارد. تورم، فقیر را فقیرتر و غنی را غنی تر می کند. به از این منظر اگر شما به موضوع نگاه کنید می بینید این تورمی که اتفاق افتاده است، اگر کاهش پیدا کند می تواند آثار خودش را روی رفاه افراد بگذارد و می تواند باعث بهبود فقر شود. می تواند در بلندمدت، نابرابری را بهبود دهد.

معتمد به بدون مطالعه و تحقیق نباید یک حکم روشن و قطعی صادر کنیم که چون امسال تورم ۱۰ درصد کاهش پیدا کرده است حتماً نابرابری درآمدی، امسال کاهش پیدا می کند. این حکم مطلق را نمی توانیم



صادر کنیم. ما باید مطالعه کنیم و ببینیم آثار آن چگونه خود را نشان می‌دهد.

❖ اگر فرضاً از شما به عنوان کسی که به حوزه فقر و رفاه و همین‌طور در زمینه عدالت کار کرده‌اید، بخواهند ضریب جینی را در آخر ۱۳۹۳ محاسبه و اعلام کنند چه نظراتی این ضریب در چه حد و به‌دوای است؟

به نظر نمی‌آید که ضریب جینی نسبت به سال گذشته تغییر خاصی کرده باشد.

❖ در سال ۱۳۹۲ مقدار ضریب جینی ۳۹ عدم بوده است. بانک مرکزی در مورد افزایش ضریب جینی بحث کرده بود و انتظار امیدواری کرده بود که افزایش ضریب جینی در سال ۹۳ متوقف و تا حدی تعدیل شود. آیا محاسبه خاصی انجام دادید که برای مثال مقدار ضریب جینی در آخر ۹۳ چقدر است؟

نه، محاسبه نکردم. ضریب جینی شاخصی است که ما سال به سال این ارزیابی‌ها را انجام می‌دهیم. مثل نرخ تورم نیست که شما بایاد ماهانه نرخ تورم را حساب کنید. بنابراین این‌طور می‌گویم که سال ۹۳ با سال ۹۲ تغییر آن چنانی نباید داشته باشد.

❖ مرکز آمار برای سال ۹۲ کل هزینه متوسط سالانه هر خانوار را ۲۰ میلیون و ۵۹۸ هزار تومان اعلام کرده که اگر هزینه ماهانه را محاسبه کنیم بدون یک میلیون و ۷۱۶ هزار تومان می‌شود. از طرفی حداقل دستمزد ماهانه کارگران ۶۰۹ هزار تومان است. این رقم دستمزد بسیار پایین است و محدود یک‌هفتم هزینه متوسط خانوارهای کشور است. شما فکر می‌کنید وضعیت رفاهی اقشار کم‌درآمد به دستمزدهایی که داده می‌شود چگونه است؟

یکی از آثار مثبتی که کاهش تورم می‌تواند بگذارد این است که نیاز به افزایش درآمد یا افزایش دستمزدها را کاهش می‌دهد. از نظر رفاهی نگاه می‌کنیم می‌گوییم برای اینکه قدرت خرید افراد حفظ شود باید متناسب با تورم، دستمزد کارگران و حقوق کارمندان دولت تعدیل شود.

تورم ۴۰ درصد بوده و در سال ۹۲ هم ۳۵ درصد بوده است. هیچ‌گاه در طول این هشت سال زمان دوران ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد، این امکان برای ایشان فراهم نشد که بتواند متناسب با افزایش تورم، دستمزدها را افزایش بدهد. در قانون برنامه سوم توسعه این موضوع آمده

بود و در دوره آقای خاتمی این موضوع رعایت می‌شد و متناسب با تورم، دستمزدها نیز تعدیل می‌شد. بنابراین خیلی به مردم فشار نمی‌آمد ولی وقتی وارد دوران تورمی آقای احمدی‌نژاد شدیم و از آن طرف هم منابع بودجه‌ای دولت اجازه تعدیل دستمزدها را نمی‌داد و محدودیت‌های مالی که بنگاه‌های اقتصادی با آن مواجه بودند از یک طرف، بنابراین میزان افزایش حقوق و دستمزد، متناسب با تورم افزایش پیدا نکرد.

الان هم وقتی که دولت این توفیق را پیدا کرده که تورم را از ۳۵ درصد سال ۹۲ به ۱۷ درصد در آخر ۹۳ کاهش بدهد، طبیعی است که آن فشار مربوط به حداقل دستمزد باید کمتر شود. برنامه‌هایی هم که دولت در نظر گرفته تا تعدیل حقوق و دستمزد در حد ۱۳ یا ۱۴ درصد است، درصد خوبی است که بتواند این کار را انجام بدهد.

پرواضح است که دولت اگر بتواند در سال ۹۴ نرخ تورم را به ۸ یا ۹ درصد برساند، طبیعی است که آهسته آهسته این فشار بودجه‌ای مربوط به افزایش حقوق و دستمزد از دوش دولت به عنوان یک کارفرمای بزرگ و همین‌طور کارفرماهای بخش خصوصی کاهش پیدا می‌کند. بر این اساس سیاست‌گذاری دولت از منظر اینکه



یکی از آثار مثبتی که کاهش تورم می‌تواند بگذارد این است که نیاز به افزایش دستمزدها را کاهش می‌دهد. از منظر رفاهی نگاه می‌کنیم می‌گوییم برای اینکه قدرت خرید افراد حفظ شود باید متناسب با تورم دستمزد کارگران و حقوق کارمندان دولت تعدیل شود.

واقعا مهمترین مشکل را تورم تشخیص داده و هدف‌گیری کرده است، سیاست‌گذاری خوبی است و باید بتواند این سیاست را به گونه‌ای مدیریت و اداره کند که ما از این دور باطل افزایش حقوق و دستمزد و تورم و همچنین تورم و افزایش حقوق و دستمزد خارج شویم. طبیعی است که هر چه دولت در کنترل تورم ناتوان باشد و تورم افزایش پیدا کند، چون برای جبران قدرت، منابع بودجه‌ای وجود ندارد این باعث کاهش بیشتر قدرت خرید مردم می‌شود.

مرکز آمار در اسفند سال ۹۲ ضریب جینی سال ۹۱ را اعلام کرده بود. برای این محاسبه طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار انجام شده و تعداد خانوارهای آمارگیری شده در این طرح ۱۸,۵۲۵ خانوار نمونه در نقاط شهری و ۱۹,۶۵۷ خانوار نمونه در نقاط روستایی کشور بوده است. با توجه به اینکه ۷۰ درصد جمعیت کشور ما شهرنشین هستند و حدود ۳۰ درصد روستائین، این نوع انتخاب تعداد خانوارها درست است؟

معمولا نمونه‌های شهری را بیشتر از نمونه‌های روستایی می‌گیرند و اصولا انتخاب نمونه آماری بر اساس جامعه آماری است. اینکه جامعه آماری چقدر باشد به تناسب آن، ما نمونه‌ها را استخراج می‌کنیم. لذا انتظار بر این است که آن جامعه آماری روستایی وقتی که کمتر است، نمونه‌اش هم کمتر باشد. جامعه آماری شهری بیشتر است، نمونه‌اش هم باید بیشتر باشد.

پس با توجه به نسبت جمعیت کشورمان، دقت کافی برای انتخاب نمونه آماری شهری و روستا نشده است؟

بله، یک جاهایی وجود دارد که در همین نمونه‌ها با آمار بازی می‌شود. در دوره اول ریاست جمهوری آقای هاشمی، وقتی سیاست‌های تعدیل اقتصادی اجرا شد در بخشی از مناطق شهری، آثار بهتری را به بار آورده بود و آثار منفی در شهر، کمتر بود و آثار منفی در مناطق روستایی بیشتر بود. بعد نمونه‌ها را که نگاه می‌کردیم می‌دیدیم که سال به سال در این ارزیابی، نمونه‌ها را به صورتی گرفته‌اند که وقتی جمع و یکی می‌شود نمونه‌گیری آثار مثبت، آثار منفی را خنثی کند.

ما وقتی دو نمونه مربوط به شهر و روستا را اگر جداگانه مجاسبه می‌کردیم می‌دیدیم نابرابری درآمدی در مناطق روستایی،

افزایش پیدا کرده است. اما وقتی این دو را یکجا حساب می‌کردیم نشان می‌داد که توزیع درآمد تغییری نکرده است. یعنی تقریبا آن افزایش با آن کاهش خنثی می‌شد. در یک جاهایی اگر شما این تناسب نمونه‌گیری را درست رعایت می‌کردید و بر اساس جامعه نمونه، آن آثار منفی خودش را در جمع کردن و یکی کردن آمار و در آن دیتاهای کلی نشان می‌داد.

انگار به صورتی مهندسی شده بود و نمونه‌ها گرفته شده بود که بتواند این آثار منفی را خنثی کند. در اینجاهاست که دستکاری در دیتاها می‌تواند تصویر واقعی را نشان ندهد یا اینکه بیاایم در نمونه‌گیری، بد عمل کنیم یا اصول علمی را روی دیتاهای خامی که تولید کرده‌ایم، حاکم نکنیم. در صورتی که باید تعدیلات لازم را انجام بدهیم. ممکن است شاخص ناقصی هم انتخاب کنیم و مثلا فقط ضریب جینی را انتخاب کنیم. هر سه این موارد به صورت مرحله‌ای می‌تواند یک تصویر ناقص از وضعیت نابرابری و وضعیت شاخص‌های موردنظر در جامعه به ما بدهد.

در پاره یارانه صحیحی داشتید و در حال حاضر هم یارانه مانند همان دوران آقای احمدی‌نژاد تقریبا به همه داده می‌شود به جز چند میلیون فقری که از یارانه انحصاری دارند. گفته بودید، دولتی که ادعای خودمندی دارد باید این تیهات سیاسی، تصمیمات خودش را بپذیرد و اصلاح کند. همچنین نقدی هم در مورد توزیع سهم کالا در دولت یازدهم داشتید و توزیع آن را درست ندانسته بودید و دادن بین کالا را توصیه کرده بودید.

چرا دولت به نوعی گرفتار همان سیاست‌هایی شده است که در دولت قبل اجرا می‌شد و به هر حال اکثریت اقتصاددانان، کارشناسان و سیاستمداران از آنها انتقاد می‌کردند، ولی وقتی دولت جدید تشکیل شده همان سیاست‌های دولت قبل را ادامه می‌دهد؟

یک دولت توسعه‌گرا و یک دولتی که دنبال حل چالش و گرفتاری‌های مردم است، در جاهایی احساس می‌کند این تصمیمی که اتخاذ می‌کند به منفعت مردم است، اما به منفعت خودش و به منفعت سیاسی خودش نیست. دولتمرد توسعه‌گرا و دولت توسعه‌گرا با شجاعت این تصمیم را اجرا می‌کند ولو اینکه به ضرر خودش باشد.

درک می‌کنم که دولت به هر حال در شرایطی کشور را تحویل گرفته که در همه حوزه‌ها زیر صفر بوده است. وقتی شما نرخ

رشد اقتصادی تا منهای ۷ درصد به زیر صفر می‌رود سایر وضعیت‌های جامعه، دست‌کم از این نرخ رشد منفی ندارند. در این شرایط، دولت تحویل گرفته شد.

آگاهم که به هر حال دولت قبلی، سیاست‌های پوپولیستی را استقرار داده است که استمرار این سیاست‌ها به آتیه کشور و توسعه ملی ضربه می‌زند و می‌فهمم که حذف کردن آن بالاخره می‌تواند آثاری را به وجود بیاورد هم برای دولت و هم احیاناً کسانی که وابسته به این شده‌اند.

آقای قاضی‌زاده‌نویس کمیسیون بودجه مجلس گفته است برای سال ۹۳ هم ۷ هزار میلیارد تومان برای یارانه نقدی دانسته. به همین صورت، فعلی کشور بودجه دارد.

کاملا درست است. در این شرایط دولت باید چه کار کند؟ اتفاقی که دارد می‌افتد این است که دولت، همچنان یارانه دادن را ادامه می‌دهد. دولت اقدام خاصی در مورد سهام عدالت انجام نداده است. دولت باید تکلیف این سیاست‌ها و تصمیمات غلط دولت گذشته را مشخص کند. اینکه مردم وابسته به این یارانه شده‌اند، حذف آن می‌تواند چالش اجتماعی و اعتراض اجتماعی داشته باشد و می‌تواند آثار دیگری داشته باشد. قطعاً همه اینها هست، باید به نحوی مدیریت کرد که بتوانند به سلامت عبور کنند. اما اگر کاری نکنند، همچنان در زمین آقای احمدی‌نژاد دارند بازی می‌کنند. من منظورم در اینجا این بود که دولت، خیلی نگران این نباشد که اگر الان یارانه‌ها را قطع کند، ممکن است در آینده رای نیاورد ولی اگر فکر کند حذف یارانه‌ها می‌تواند در خدمت رفاه پایدار مردم قرار بگیرد بدون تردید باید تمهیدی بیندیشد.

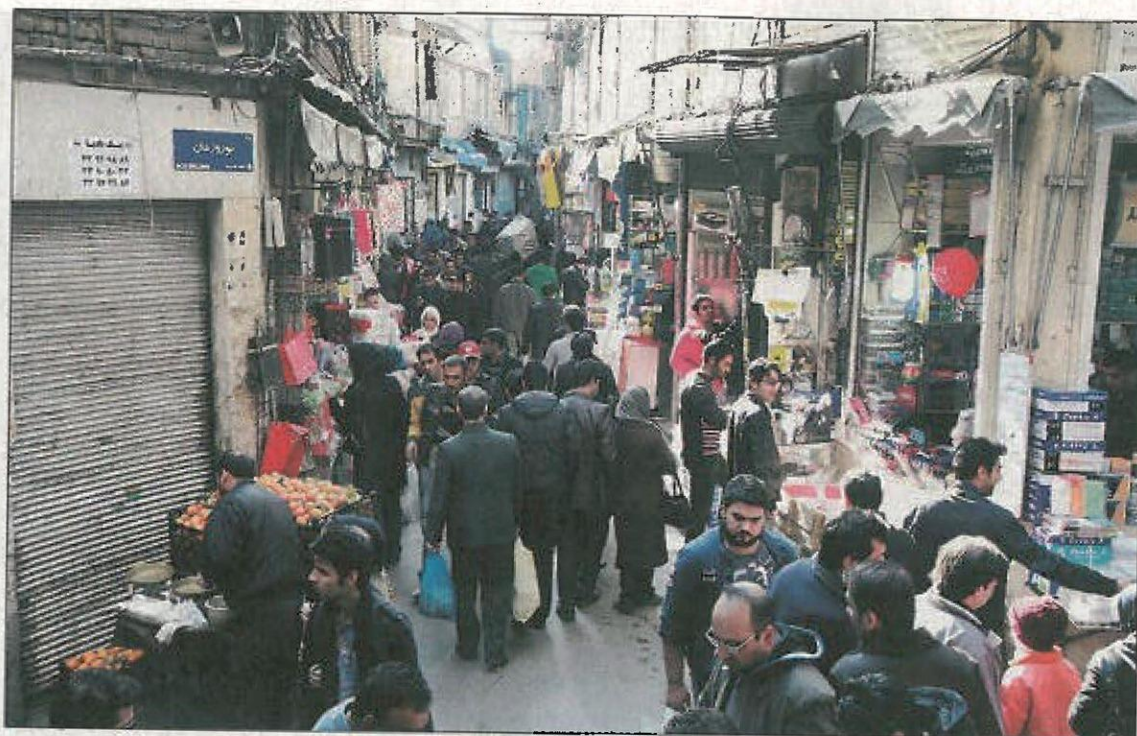
وقتی یارانه نقدی به همه افراد داده می‌شود هم به فقرا و کم‌درآمدها داده می‌شود که واقعا نیازمند هستند و هم به کسانی که ثروتمندهای هنگفت دارند، یعنی برای رفع نابرابری و توزیع درآمد در قضاوت است.

به هر حال نقدها و ایرادهای مختلفی بر پرداخت یارانه و نوع یارانه‌ای که داده می‌شود و رویکرد هدفمندی صرف، وارد است. الان در شرایطی قرار داریم که تقریبا کل بودجه عمرانی ما را یارانه‌ها بلعیده است. سالانه حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان صرف پرداخت یارانه می‌کنیم.

وزارت اقتصاد می‌گوید ۶ هزار میلیارد تومان



دادن یارانه، استوار
سیاسات عدالت،
توزیع سید کالا و
سایر سیاست‌ها،
وابسته کردن هرچه
بیشتر مردم به
دولت است. دولت
باید دقیقاً خلاف
این عمل کند، باید
به مردم استقلال،
استغنا و عزت
بخشد و مجموعه
سیاست‌های رفاهی
خودش را روی این
پلت‌فرم سوار کند.



بله، وقتی دولت بحث یارانه‌ها را به همان سبک دولت قبلی ادامه می‌دهد و پروژه سبد کالا را انجام می‌دهد و بودجه‌های مربوط به فقرزدایی سال ۹۲ و ۹۳ را وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم در همین مسیر درآمدی و با رویکرد درآمدی هزینه شده و به همان سبک دولت قبلی هزینه شده است. از دولت فعلی در حوزه توانمندسازی و قابلیت‌پروری، برنامه روشنی روی میز مشاهده نمی‌کنیم و عرضه نشده است. همان نگرش دولت گذشته و همان برنامه‌های گذشته با یک تفاوت‌های جزئی، ادامه پیدا می‌کند. نگاه ما این بود که در دولت گذشته در شکل خیلی وسیع آن و در دولت‌های گذشته هم همین‌طور، یک نگرش دولت رفاه و ایرانیزه‌شده حاکم بوده است. پیشنهاد ما این بود که رویکرد ما از دولت رفاه به جامعه رفاهی تغییر پیدا کند؛ یعنی مجموعه سیاست‌هایی را اتخاذ کنیم که مردم خودشان بتوانند با دست خودشان و با بازوی خودشان و با مهارت و توانمندی و قابلیت خودشان از مواهب اقتصادی و اجتماعی و خدمات اجتماعی بهره‌مند شوند. دادن یارانه، استمرار سهام عدالت، توزیع سبد کالا و سایر سیاست‌ها، وابسته کردن هرچه بیشتر مردم به دولت است. دولت باید دقیقاً خلاف این عمل کند، باید به مردم استقلال، استغنا و عزت ببخشد و مجموعه سیاست‌های رفاهی خودش را روی این پلت‌فرم سوار کند.

کنیم. برای این کار، وقتی پیشنهاد بن کالا را داده بودم ویژگی‌های آن را توضیح دادم. پیشنهاد بن کالا مبنی بر این است که دولت با فروشگاه‌ها، مراکز فروش و کارخانه‌های داخل کشور وارد مذاکره شود و با همکاری آنها بن کالا چاپ کند. الان هم چیزی حدود ۲۰ درصد از منابع یارانه‌ای یعنی حدود همین مبلغی که کسری دارد، می‌توانست همین مبلغ را با بن کالا تامین مالی کند. اگر دولت، کالاها را ۲۰ درصد زیر قیمت خریداری کند، انگار ۲۰ درصد تامین مالی می‌کند. بعد هم این بن کالا، یک بن کالای یکسان است و به همه داده می‌شود و تبعیض قیمتی دیگر نیست. افرادی که بن کالا دریافت می‌کنند می‌توانند با این بن کالا برون کالای ایرانی بخرند. یک حسن دیگرش نیز این است که آثار رکودی را هم می‌تواند از این طریق تا حدی بهبود بدهد. شما می‌روید متقاضی کالاهای تولید داخل کشور می‌شوید و همین‌طور کالا خریداری می‌شود. آثار تورمی آن کمتر است و مزیت‌های دیگری هم دارد. بنابراین دولت باید رویکرد و سیاست‌های خودش را در حوزه رفاه و تامین اجتماعی به گونه‌ای تبیین کند که بتواند استقلال و استغنا به مردم ببخشد.

در ادامه گفتیم بودید دولت یا نه؟
درماندست، روشنی در حوزه رفاه و تامین
اجتهادهای ندارند، در بحث است؟

در سال برای پرداخت یارانه کسری داریم. رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس یعنی آقای تاجگردون می‌گوید ۷ هزار میلیارد تومان. بالاخره همین ۷ هزار میلیارد تومان را باید از کجا تامین کنیم؟ اگر آن را از بانک مرکزی بگیرد و خلق پول کند، مشکلات خودش را دارد. اگر دولت بخواهد برای این کار دارایی‌های خودش را بفروشد، بورس را با مشکل مواجه می‌کند. اگر بخواهد از طریق ارز تامین مالی کند آثار منفی خودش را در بازار می‌گذارد. چطوری دولت باید این منبع را تامین کند؟ آن کسی که آن پول یارانه را دریافت می‌کند، حق هم دارد و دارد آن پول را می‌بیند و گرفتاری خودش را می‌بیند. تورم و مشکلات را می‌بیند و آن پول را می‌بیند ولی در مقام سیاست‌گذاری وقتی می‌خواهید سیاست‌گذاری کنید و تامین مالی برای پرداخت این پول بکنید وقتی آن پول را ندارید از مسیرهایی آن را تامین می‌کنید که درست نیست. عین این است که پدر خانواده برای اینکه بتواند معیشت خانواده خودش را تامین کند، از راه‌های خلاف اقدام کند. فراخوانی را وزارت رفاه و تامین اجتماعی در این زمینه داده بود. پیشنهادی که ما در زمینه سبد کالا دادیم، آن یک پیشنهاد مرحله‌ای بود که ما باید به صورتی هدفگذاری کنیم که طی سه، چهار سال آینده بتوانیم این بحث پرداخت یارانه نقدی را حذف